

هشدار امام خمینی (ره) نسبت به نگرش های انحرافی درباره انتظار فرج

صراحت بیان امام راحل در نفی دیدگاه اعتقادی و عملی برخی از منتظران، از شناخت و مواضع استوار ایشان درباره مسأله مهدویت حکایت دارد.

صراحت بیان امام راحل در نفی دیدگاه اعتقادی و عملی برخی از منتظران، از شناخت و مواضع استوار ایشان درباره مسأله مهدویت حکایت دارد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: «موضوع ظهور و انتظار فرج و موضوعات مرتبط به آن، مباحثی است که پس از غیبت کبری امام عصر (عج) پیوسته و به فراخور شرایط اجتماعی و سیاسی نظام های حاکم بر مسلمین مطرح بوده است؛ چرا که این موضوع نه فقط در اندیشه شیعه بلکه در کل جهان اسلام در اشکال مختلف جزء بنیادی ترین و زنده ترین مسائل دینی، اعتقادی و اسلامی به خصوص از منظر مکتب اهل بیت علیهم السلام است. از این رو علما و صاحب نظران عرصه دین مبین اسلام براساس نیاز و اقتضائات جامعه زمان خود از آن سخن گفته اند.

در میان دیدگاههای مطرح شده از سوی علمای اسلام، نظریات و سخنان امام خمینی (ره) به جهت موفق شدن در پایه ریزی و استقرار نظامی مبتنی بر آموزه های مهدوی از اهمیت به سزایی برخوردار است.

امام خمینی (ره) از کسانی است که جریان ظهور مصلح کل و عدل گستر جهانی را هم در آثار و اندیشه متجلی کرده و هم در میدان عمل درباره مهدویت از جنبه های مختلف به طور زنده، آموزنده و کارآمد سخن گفته و به مورد اجرا گذاشته است. (۱)

«انتظار در دیدگاه امام خمینی، در حقیقت بیان يك تکلیف اعتقادی و اجتماعی است. ایشان در نقد مفهوم انتظاری که غالباً منتظران در يك نظام طاغوتی دارند، منتظر حقیقی امام عصر (عج) را عامل به وظیفه شرعی خویش در قبال جامعه و روند آن می داند. بدین گونه، انتظار را می توان همان اعتراض منتظران مهدی شمرد، زیرا آنان از وضع موجود ناخرسند هستند و نظام سیاسی صالحان را آرزومندند.

طرح وظیفه فعلی و شرعی مسلمانان، ناظر به رسالت آنان در برابر هجوم فرهنگی و سیاسی و اقتصادی مستکبران است که نباید در انجام آن تأخیر و سهل انگاری روا داشت. اساساً انتظار، چیزی به جز ایجاد آمادگی برای ظهور مهدی موعود نیست. آمادگی منتظران همان ابعادی را دارد که ظهور حضرت در عرصه های فرهنگ و سیاست و اقتصاد و تربیت، نمودار آن است. طاغوت ستیزی در هر برهه و مکانی از جهان اسلام، نخستین گام عملی منتظران است و آنان را برای پیوستن به جریان ظلم ستیزی در گستره جهانی مهیا می سازد.

تحقق وعده تخلف ناپذیر الهی درباره وراثت و حاکمیت مستضعفان در زمین در گرو همراهی و آمادگی نیروهای معتقد به ولایت و عدالت مهدی است. رهبر کبیر انقلاب اسلامی ضمن یادکرد این مضمون قرآنی، خاطرنشان می سازد که منتظران نباید در راه انتظار مهدی، دچار دغدغه و هراس شوند.

امام خمینی تلقی خود از انتظار مهدی (عج) را برآمده از شناخت سیره ستم ستیزانه پیامبران ابراهیمی می شمارد که در هر حال با طاغوت ها مبارزه می کردند و پیروزی و شکست ظاهری نزد آنان مطرح نبود:

«سیره انبیا بر این معنا بوده... که معارضه می کردند با طاغوت ولو این که زمین بخورند، ولو این که کشته بشوند ولو کشته بدهند. ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد، در مقابل ظالم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهنش بزند و نگذارد که این قدر ظلم زیاد بشود، این ارزش دارد.» (۲)

چنان که در تعالیم حضرت امام به چشم می خورد، مبارزه با ظلم ظالمان يك ارزش انسانی-الهی تلقی می شود و مؤمنان همچون پیامبران سعی در پیشگیری از افزایش و توسعه تجاوز آنان به حقوق مردمان دارند. این دیدگاه از انتظار و ظهور حضرت حجت علیه السلام برخلاف دیدگاه کسانی است که فزونی و فراگیری ظلم و استضعاف را می طلبند و برای خود کمترین تکلیفی در برابر ستم پیشگان قائل نیستند. صراحت بیان امام راحل در نفی دیدگاه اعتقادی و عملی برخی از منتظران، از شناخت و مواضع استوار ایشان درباره مسأله مهدویت حکایت دارد. (۳)

یکی از نگرانی های امام(ره) درباره ظهور امام عصر(عج) نگرش های انحرافی درباره انتظار برای ظهور آن حضرت(عج) است. ایشان در یکی از بیاناتشان برداشت های متفاوت از انتظار فرج را دسته بندی و نقد نموده اند که در ذیل می آید:

اکتفا به دعا ...

بعضی انتظار فرج را به این می دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان - سلام الله علیه - را از خدا بخواهند. اینها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند. بلکه بعضی از آنها را که من سابقاً می شناختم بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب - سلام الله علیه - بود. اینها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می کردند و نهی از منکر هم می کردند و امر به معروف هم می کردند، لکن همین، دیگر غیر از این کاری ازشان نمی آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند، نبودند.

بی توجهی به سیاست

یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می گذرد، بر ملت ها چه می گذرد، بر ملت ما چه می گذرد؛ به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکالیف های خودمان را عمل می کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله، درست می کنند؛ دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می گذرد یا در مملکت خودمان می گذرد، نداشته باشیم. اینها هم یک دسته، مردمی بودند که صالح بودند.

پرهیز از نهی از منکر

یک دسته ای می گفتند که خوب، باید عالم پر[از] معصیت بشود تا حضرت بیاید؛ ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می خواهند بکنند؛ گناهها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود.

دعوت به گناه برای تعجیل در فرج

یک دسته ای از این بالاتر بودند، می گفتند: باید دامن زد به گناهها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت - سلام الله علیه - تشریف بیاورند. این هم یک دسته ای بودند که البته در بین این دسته، منحرفهایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرفهایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می زدند.

ادعای باطل بودن هر حکومتی قبل از ظهور

یک دسته دیگری بودند که می گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و بر خلاف اسلام است. آنها مغرور بودند... به بعض روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر علمی بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن علم، علم باطل است. آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، در صورتی که آن روایات [اشاره دارد] که هر کس علم بلند کند با علم مهدی، به عنوان «مهدویت» بلند کند، [باطل است].

حالا ما فرض می کنیم که یک همچو روایاتی باشد، آیا معنایش این نیست که تکلیف مان دیگر ساقط است؟ یعنی، خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست این معنا که ما دیگر معصیت بکنیم تا پیغمبر بیاید، تا حضرت صاحب بیاید؟ حضرت صاحب که تشریف می آورند برای چی می آیند؟ برای اینکه گسترش بدهند عدالت را، برای اینکه حکومت را تقویت کنند، برای اینکه فساد را از بین ببرند. ما برخلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای اینکه حضرت بیایند؟ حضرت بیایند چه می کنند؟ حضرت می آیند، می خواهند همین کارها را بکنند. الآن دیگر ما هیچ تکلیفی نداریم؟ دیگر بشر تکلیفی ندارد، بلکه تکلیفش این است که دعوت کند مردم را به فساد؟ به حسب رأی این جمعیت، ... این است که ما ... باید دعاگوی امریکا باشیم و دعاگوی اذناشان ... باشیم و امثال اینها تا اینکه اینها عالم را پر کنند از جور و ظلم و حضرت تشریف بیاورند. بعد حضرت تشریف بیاورند، چه کنند؟ حضرت بیایند که ظلم و جور را بردارند؛ همان کاری که ما می کنیم و ما دعا می کنیم که ظلم و جور باشد! حضرت می خواهند همین را برش دارند. ما اگر دستمان می رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست، منتها ما نمی توانیم. ...

... چون نمی توانیم .. باید او بیاید ... اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت - سلام الله علیه .«(۴)

امام (ره) در سال ۱۳۶۷، درس‌خوانی در جمع روحانیون و طلاب، ضمن تعیین استراتژی نظام جمهوری اسلامی ایران و رسالت حوزه های علمیه، از رویارویی دو تفکر مثبت و انحرافی از انتظار فرج در جریان انقلاب اسلامی سخن گفته اند.

۱۵ خرداد ۱۳۴۲؛ رویارویی دو تفکر

«شعار گمراه کننده حکومت قبل از ظهور امام زمان - علیه السلام - باطل است و هزاران «ان قلت» دیگر، مشکلات بزرگ و جانفرسایی بودند که نمی شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات جلوی آنها را گرفت؛ تنها راه حل، مبارزه و ایثار خون بود که خداوند وسیله اش را آماده نمود. علما و روحانیت متعهد سینه را برای مقابله با هر تیر زهرآگینی که به طرف اسلام شلیک می شد آماده نمودند و به مسلخ عشق آمدند.

اولین و مهمترین فصل خونین مبارزه در عاشورای ۱۵ خرداد رقم خورد. در ۱۵ خرداد ۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان می نمود. بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حيله و مقدس مآبی و تاجر بود؛ گلوله زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت و سرب، جگر و جان را می سوخت و می درید. در آن زمان روزی نبود که حادثه ای نباشد، ایادی پنهان و آشکار امریکا و شاه به شایعات و تهمتها متوسل شدند حتی نسبت تارک الصلوة و کمونیست و عامل انگلیس به افرادی که هدایت مبارزه را به عهده داشتند می دادند. واقعاً روحانیت اصیل در تنهایی و اسارت خون می گریست که چگونه امریکا و نوکرش پهلوی می خواهند ریشه دیانت و اسلام را برکنند و عده ای روحانی مقدس نمای ناآگاه یا بازی خورده و عده ای وابسته که چهره شان بعد از پیروزی روشن گشت، مسیر این خیانت بزرگ را هموار می نمودند.

آنقدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارز آن مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین - علیه السلام - که در تاریخ روشن است. بگذارم و بگذرم و ذائقه ها را بیش از این تلخ نکنم. ولی طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است...» (۵)

منابع:

۱- حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) و استراتژی انتظار در اندیشه امام خمینی (ره)، سیدغلام رضا حسینی ص ۱۱

۲- مهدویت در منظر امام خمینی (ره)، ابوالفضل هدایتی فخر داود، ص ۱۲۶ به نقل از صحیفه امام ج ۱۸ ص ۲۶۹

۳- مهدویت در منظر امام خمینی (ره)، ابوالفضل هدایتی فخر داود، صص ۱۲۶-۱۲۵

۴- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۶

۵- پرتال امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۱، ۱۳۶۷/۱۲/۰۳